

# بررسی روابط میان ویژگی‌های شخصیتی، بنیان‌های اخلاقی، و اخلاق کاری در دانشجویان ایرانی و کانادایی

ناصر آقابابائی<sup>۱</sup>

امیررضا طلائئ پاشیری<sup>۲</sup>

کاترین تی کوانتس<sup>۳</sup>

## چکیده

شخصیت از متغیرهای تعیین کننده در قضاوت، هیجان، و رفتار اخلاقی است. فارغ از اینکه کدام سازه شخصیتی بر چه متغیر اخلاقی تأثیر دارد، پرسش مهم آن است که این روابط در گستره فرهنگ‌ها چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. پژوهش حاضر به بررسی روابط میان بنیان‌های اخلاقی، اخلاق کاری، عامل‌های معمول شخصیت، رگه‌های تاریک شخصیت، بدبینی اجتماعی، و بی‌هنجاری در دو نمونه ایرانی و کانادایی می‌پردازد. با اینکه هم‌بسته‌های شخصیتی بنیان‌های اخلاقی در دو بافت متفاوت بودند، در هر دو بافت، شخصیت بهتر از بنیان‌های اخلاقی توانست اخلاق کاری را پیش‌بینی کند. یافته‌ها در بافت ایرانی نشان داد که اخلاق کاری با نمره‌های پایین در بی‌هنجاری و ماکیاول‌گرایی و با نمره‌های بالا در صداقت - فروتنی هم‌بسته بود. همچنین، اخلاق کاری در بافت کانادایی با

۱. استادیار گروه علوم رفتاری، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»

(naseragha@gmail.com) (نویسنده مسئول)

۲. فلوشیپ فوق دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی صنعتی / سازمانی، دانشگاه ویندزور، کانادا

۳. استاد گروه روان‌شناسی صنعتی / سازمانی، دانشگاه ویندزور، کانادا

نمره‌های پایین در جامعه‌سنجی و با نمره‌های بالا در صداقت - فروتنی، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی هم‌بسته بود. کنترل کردن تجربه کاری، تغییری در این روابط ایجاد نکرد. یافته‌های پژوهش حاکی از این بود که رابطه اخلاق کاری به شخصیت فرهنگی بسته است. در جوامع جمع‌گرتری مانند ایران تصمیم‌ها و رفتارهای اخلاقی بیشتر متأثر از عامل‌های شخصیتی مرتبط با نوع دوستی متقابل و ارزش‌های جمع‌گرایانه‌ای چون رعایت انصاف در تعامل با دیگران‌اند. حال آنکه تصمیم‌ها و رفتارهای اخلاقی در جوامع فردگرتری چون امریکای شمالی علاوه بر نوع دوستی متقابل، متأثر از عامل‌های شخصیتی مرتبط با تلاش‌های تکلیف - محور و ارزش‌های فردگرایانه‌ای چون نظم، سازمان‌یافتگی، کمال‌گرایی، و پشتکار هستند. این پژوهش، با برجسته کردن نقش فرهنگ در روابط میان متغیرها، توجه به تعامل فرهنگ و اخلاق را برای داشتن تصویری درست‌تر از بُعد اخلاقی تجربه بشری لازم می‌شمارد.

واژه‌های کلیدی: اخلاق، اخلاق کاری، شخصیت، فرهنگ.

### Investigating the relations among personality characteristics, moral foundations, and work ethics in Iranian and Canadian students

Naser Aghababaei, PhD<sup>1</sup>  
Amir Talaei Pashiri, PhD<sup>2</sup>  
Catherine T. Kwantes, PhD<sup>3</sup>

#### Abstract

Personality is a determining factor in moral judgment, emotions, and behaviors. Regardless of what construct of personality affects what ethical variables, an important question is what similarities and differences are among these relationships across cultures. The current study investigates the relationships between moral foundations, work ethics, normal personality factors, dark personality traits, social cynicism, and anomie in an Iranian and a Canadian sample. Although the personality

1. Assistant Professor, Department of Behavioral Sciences, the Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT). (naseragha@gmail.com)
2. Post-doctoral Fellowship in Psychology, Department of Industrial/Organizational Psychology, University of Windsor, Canada.
3. Professor, Department of Industrial/Organizational Psychology, University of Windsor, Canada.

variables' correlations with moral foundations were different in the two contexts, in both contexts personality was a better predictor than moral foundations in predicting work ethics. Findings in the Iranian sample showed that work ethics was negatively correlated with anomie and Machiavellianism, and positively correlated with Honesty-Humility. In the Canadian sample, work ethics was negatively correlated with psychopathy, and positively correlated with Honesty-Humility, Extroversion, and Conscientiousness. Controlling for job experience did not make any difference in these relationships. Findings of this study support the conclusion that work ethics is a culture dependent construct. In collectivistic cultures such as Iran, ethical decision making and behaviors are mainly influenced by personality factors related to reciprocal altruism and collectivistic values like fairness in interactions with others. However, ethical decision making and behaviors in more individualistic cultures such as North America, in addition to reciprocal altruism, are influenced by personality factors related to task based efforts, and individualistic values like order, organization, perfectionism, and persistence. By highlighting the role of culture in the relationships among variables, this study shows the necessity of considering the interaction between culture and ethics for having a more accurate picture of the ethical aspect of the human experience.

**Keywords:** ethics; work ethics; personality; culture.

#### مقدمه

اخلاق پایه نیرومندی است برای اینکه انسان‌ها در توافق و همکاری با هم زندگی کنند و در نتیجه، تعامل بین آن‌ها امید جمعی شان برای بقا و تولید مثل را بهبود بخشد (بایمستیر و وناش، ۲۰۱۲). در دهه‌های اخیر، اهمیت توجه به دیدگاه‌های فرهنگی در مطالعه شناخت انسان روشن‌تر شده است. گستره اخلاق و استدلال اخلاقی از این موضوع مستثنا نیست. بیشتر تلاش‌ها در پی یافتن و آزمودن اصول فراگیر قضاوت اخلاقی بوده‌اند. برای درک درست گوناگونی میان فرهنگی در ارزش‌های اخلاقی و فرایندهای زیربنایی شناخت اخلاقی، چالش‌هایی وجود دارد. به نظر می‌رسد چارچوب جهان‌شمول برای اخلاق به ناچیزانگاری نقش فرهنگ در استدلال اخلاقی می‌انجامد. اگرچه این حوزه برای هرچه بیشتر ادغام کردن نگاه‌های فرهنگی به منظور درک شناخت اخلاقی، گام‌های بلندی برداشته است؛ اما نظریه‌های استدلال اخلاقی هنوز گوناگونی چشمگیر در نحوه مفهوم‌سازی اخلاق را مجاز نمی‌شمارند. فرایندهای زیربنایی شناخت اخلاقی احتمالاً فراگیر نیستند؛ زیرا نظام‌های اخلاق نقش متفاوتی در فرهنگ‌های گوناگون ایفا می‌کنند.

تفاوت‌های فرهنگی در استدلال اخلاقی نه تنها بر آنچه افراد ارزشمند می‌دانند تأثیر دارد؛ بلکه بر نحوه استدلال آن‌ها برای ارزش‌هایشان نیز مؤثر است (ساجدوا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). مثلاً پژوهش‌ها درباره تحول اجتماعی - اخلاقی در چند ده کشور (از جمله ایران) آشکار کرده است که درباره بالاترین مرحله کلبیرگ تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد (اسنری<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵). ضیایی و همکاران (۱۳۸۹) نیز با مقایسه یافته‌های پژوهشی‌شان در ایران با پژوهش‌های مشابه در ایالات متحده (گرین<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۸) تفاوت‌های فرهنگی‌ای را در قضاوت اخلاقی گزارش کرده‌اند.

یکی از نظریه‌های نسبتاً جدید در حوزه روان‌شناسی اخلاق، نظریه بنیان‌های اخلاقی<sup>۴</sup> است. این نظریه به دنبال آن است که به ما کمک کند تا چشم‌انداز اخلاقی خودمان و دیدگاه‌های اخلاقی و سیاسی مخالفانمان را درک کنیم. این نظریه در واقع انگیزش‌های اخلاقی زیربنای رفتار را توضیح می‌دهد و مبتنی بر الگوی شهودگرایی اجتماعی<sup>۵</sup> است. استدلال اخلاقی بر اساس الگوی یادشده بیشتر متأثر از واکنش‌های شهودی ابتدایی به تخلف‌های اخلاقی است. طبق این الگو، افراد از شهود اجتماعی برای تأیید چیزی استفاده می‌کنند که پیش‌تر در قضاوت‌های اخلاقی زندگی واقعی به آن رسیده‌اند. در نظریه بنیان‌های اخلاقی، پنج بنیان اخلاقی فراگیر وجود دارد: آسیب/مراقبت<sup>۶</sup>، انصاف/مقابله به مثل<sup>۷</sup>، درون‌گروهي/وفاداری<sup>۸</sup>، قدرت/احترام<sup>۹</sup>، و پاکی/تقدس<sup>۱۰</sup>. آسیب/مراقبت به این مسئله اشاره دارد که فرد چه اندازه به رنج دیگران اهمیت می‌دهد. انصاف/مقابله به مثل شامل فضایی چون انصاف و عدالت است که در تعامل‌های دوسویه با دیگران دیده می‌شوند. درون‌گروهي/وفاداری بر همکاری درون‌گروهي و پرهیز کردن از افراد خارج از گروه یا متخاصمانه رفتار کردن با آن‌ها متمرکز است. قدرت/احترام شامل ارزش گذاشتن به تبعیت، تمکین، و احترام به چهره‌های قدرت در

1. Sachdeva
2. Snarey
3. Greene
4. moral foundations theory
5. social intuitionist model
6. harm/care
7. fairness/reciprocity
8. ingroup/loyalty
9. authority/respect
10. purity/sanctity

یک نظام سلسله‌مراتبی است. پاکی / تقدس به احساس بیزاری از فعالیت‌ها، افراد، و اشیای ناپاک مربوط است. افراد تأییدکننده این بنیان برای عفت، نظافت، و پاکی ارزش قائل‌اند (فرناندز<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). با اینکه نظریه بنیان‌های اخلاقی مدعی جهان‌شمول بودن بنیان‌های اخلاقی است، هنوز پژوهش‌های اندکی به این موضوع در نمونه‌های غیرانگلیسی‌زبان پرداخته‌اند؛ مثلاً پژوهش‌های جدید در ترکیه (پلسینداگ<sup>۲</sup> و همکاران، زیرچاپ) و کره جنوبی (کیم<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲) حاکی از آن است که قدرت کم‌ارزش‌ترین بنیان اخلاقی است؛ در حالی که در ایالات متحده (کیم و همکاران، ۲۰۱۲؛ گراهام<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۹) و سوئد (نیلسون و ارلندسون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵) تقدس / پاکی کم‌ارزش‌ترین بنیان اخلاقی است. نگاهی به هم‌بسته‌ها و همایندهای این بنیان‌های اخلاقی به ما کمک می‌کند تا تصویر درست‌تری از آن‌ها داشته باشیم.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بنیان‌های اخلاقی درون‌گروهی، قدرت، و به‌ویژه پاکی با نشانه‌های وسواس اجباری، ترس از گناه، ترس از خدا (کنگ<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۶)، و رضایت از زندگی (وسینا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴) رابطه مثبت دارند. لیبرال‌ها آسیب / مراقبت و انصاف / مقابله‌به‌مثل را بیش از سه بنیان اخلاقی دیگر تأیید می‌کنند؛ در حالی که محافظه‌کاران هر پنج بنیان را به‌صورت مساوی تأیید می‌کنند و به کار می‌برند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۹). در یک پژوهش رابطه آسیب و انصاف با نگرش به فقر مثبت، ولی رابطه درون‌گروهی، قدرت، و پاکی با نگرش به فقر منفی بود (لو و لویز ووی<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵). هم‌بستگی منفی آسیب و انصاف با هفت گناه اصلی (غضب، حسادت، شکم‌بارگی، غرور، کاهلی، شهوت، و آز) نیرومندتر از هم‌بستگی سایر بنیان‌ها با این گناهان بود (جانسون<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). وسینا و پیئوئلا<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۷) بنیان‌های اخلاقی ۱۰۳ مرد اسپانیایی را بررسی کردند که با حکم دادگاه برای بدرفتاری‌های خود با همسرانشان تحت درمان بودند. آن‌ها نشان دادند که تبعیض جنسی خیرخواهانه<sup>۱۱</sup> (یک نگاه

1. Fernandes
2. Yalçındağ
3. Kim
4. Graham
5. Nilsson & Erlandsson
6. Kang
7. Vecina
8. Low & Lopez Wui
9. Jonason
10. Vecinan & Piñuela
11. benevolent sexism

ذهناً<sup>۱</sup> مثبت به زنان) با قدرت هم‌بسته است و تبعیض جنسی خصمانه (انزجار ناشی از تبعیض جنسی) با انصاف هم‌بستگی منفی دارد. انصاف قصد تغییر دادن رفتار خشن نسبت به همسر را پیش‌بینی کرد. بسپالوف<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷) در میان گروهی از دانشجویان مغولستانی معلوم کردند که قدرت و تقدس با آرمان‌های<sup>۳</sup> درونی رابطه منفی و بنیان اخلاقی درون گروهی با آرمان‌های برونی رابطه مثبت دارند. ادگر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۷) در بریتانیا نشان دادند که بنیان‌های اخلاقی بحث‌های مربوط به تغییرات آب و هوایی را تبیین می‌کنند.

ماکینیمی<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در فنلاند، دانمارک، و ایتالیا نشان دادند که بنیان اخلاقی پاکی / تقدس با تصمیم‌گیری اخلاقی درباره غذاها ارتباط زیادی دارد. یک پژوهش در میان دانشجویان فنلاندی نشان داد مصرف سازگار با محیط زیست<sup>۶</sup> با مراقبت و انصاف رابطه مثبت و با درون‌گروهی و قدرت رابطه منفی دارد (واینیو و ماکینیمی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶). چودهاری<sup>۸</sup> (زیر چاپ) کارایی بنیان‌های اخلاقی را برای تبیین باورهای مصرف‌کنندگان درباره مصرف اخلاقی و غیراخلاقی تأیید کرد. در پژوهش او بر روی مصرف‌کنندگان امریکایی، تنها تقدس با باورها درباره همه شکل‌های رفتار غیراخلاقی مصرف‌کننده رابطه منفی داشت. کرنر و مارتین<sup>۹</sup> (۲۰۱۵) نشان دادند بنیان‌های مرتبط به دیگران (یعنی آسیب / مراقبت و انصاف / مقابله به مثل) به صورت منفی با پرخاشگری کلامی و مجادله رابطه منفی و با مسئولیت‌پذیری، جرئتمندی، و انعطاف‌پذیری شناختی رابطه مثبت داشتند. همچنین، بنیان‌های مرتبط با سازه‌های پیونددهنده اجتماعی (یعنی درون‌گروهی / وفاداری، قدرت / احترام، و پاکی / تقدس) با انعطاف‌پذیری شناختی رابطه منفی داشتند.

هر یک از بنیان‌های یادشده توسط انبوهی از عامل‌های درونی و بیرونی گسترش می‌یابند، تضعیف می‌شوند، یا تعدیل می‌یابند. عامل‌های درونی شامل شخصیت و تحول آن است، حال آنکه عامل‌های خارجی شامل محیطی است که در آن بزرگ شده‌ایم (فرهنگ) و تجارتمان را دربر می‌گیرد. پیش‌تر به برخی تفاوت‌های فرهنگی اشاره شد. در ادامه

1. subjectively
2. Bespalov
3. aspirations
4. Adger
5. Makiniemi
6. climate-friendly consumption
7. Vaini & Makiniemi
8. Chowdhury
9. Cranme & Martin

پژوهش‌هایی را از نظر خواهیم گذراند که به بررسی رابطه‌ی عامل‌ها و رگه/صفت‌های گوناگون شخصیتی با بنیان‌های اخلاقی پرداخته‌اند. در یک پژوهش، رگه‌ی تحقیر بیش از همه با آسیب/مراقبت و وفاداری رابطه‌ی منفی داشت؛ در حالی که رگه‌ی بیزاری با آسیب/مراقبت و مقابله‌به‌مثل رابطه‌ی مثبت داشت. رگه‌ی خشم نیز همانندی ضعیفی با آسیب/مراقبت و انصاف داشت (استایگر و رینا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). در دو نمونه از دانشجویان ژاپنی، عامل عمومی شخصیت تنها با بنیان اخلاقی درون‌گرومی رابطه داشت (کاواماتو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) و در پژوهش کرنمر و مارتین (۲۰۱۵) ماکیاول‌گرایی با هر پنج بنیان اخلاقی رابطه‌ی منفی داشت.

پژوهشی در صربستان نشان داد که از میان عامل‌های معمول شخصیت، تجربه‌پذیری بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی بنیان‌های اخلاقی بود؛ هم‌بستگی این عامل با آسیب و انصاف مثبت و با سایر بنیان‌ها منفی بود. جامعه‌سنجی با آسیب، هم‌بستگی منفی و با درون‌گرومی، هم‌بستگی مثبت داشت و ماکیاول‌گرایی پیش‌بین مثبت درون‌گرومی و قدرت بود (مددوویچ و پتروویچ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). غالباً جامعه‌سنجی‌ها فاقد حس اخلاقی هستند. اگرچه این فرضیه در دهه‌ی گذشته توجه آزمایشی زیادی را به خود جلب کرده است؛ اما یافته‌ها در این باره متناقض‌اند. فراتحلیل مارشال<sup>۵</sup> و همکارانش (۲۰۱۸) نشان داد حمایت یافته‌ها از این فرضیه متوسط است. همچنین، این پژوهشگران نشان دادند که استدلال اخلاقی جامعه‌سنجی‌ها (در چارچوب بنیان‌های اخلاقی) متفاوت است. آن‌ها با فراتحلیل ۶ پژوهش در مورد بنیان‌های اخلاقی گزارش کردند که رابطه‌ی جامعه‌سنجی با همه‌ی بنیان‌های اخلاقی به جز یک مورد منفی و ضعیف بود. رابطه‌ی این رگه با درون‌گرومی معنادار نبود. آن‌ها این‌گونه نتیجه گرفتند که افراد جامعه‌سنجی تقریباً به یک اندازه روی همه‌ی بنیان‌های اخلاقی تأکید دارند. در این میان رابطه‌ی جامعه‌سنجی با آسیب نیرومندتر بود که می‌تواند از این فرضیه حمایت کند که افراد جامعه‌سنجی به آسیب کمتر از سایر بنیان‌ها اهمیت می‌دهند.

همان‌گونه که اشاره شد الف) نظریه‌ی بنیان‌های اخلاقی می‌کوشد رفتارها، نگرش‌ها، و ارتباطات ما را تبیین کند، ب) تفاوت‌های فرهنگی‌ای در خصوص این بنیان‌ها وجود دارد، و ج) شخصیت یکی از متغیرهای تعیین‌کننده‌ی این بنیان‌هاست. پژوهش حاضر می‌کوشد به سه نکته

1. trait
2. Steiger & Reyna
3. Kawamoto
4. Mededovic & Petrovic
5. Marshall

یادشده پردازد؛ به این ترتیب که (۱) ارتباط این بنیان‌ها را با اخلاق کاری بسنجد، (۲) رابطه دامنه متنوعی از متغیرهای شخصیتی را با بنیان‌های اخلاقی بررسی کند، و (۳) با استفاده از دو نمونه ایرانی و کانادایی نقش فرهنگ را به تصویر بکشد. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان بنیان‌های اخلاقی، اخلاق کاری، عامل‌های معمول شخصیت، رگه‌های سه‌گانه تاریک شخصیت (شامل جامعه‌ستیزی، ماکیاول‌گرایی، و خودشیفتگی)، بی‌هنجاری<sup>۱</sup>، و بدبینی اجتماعی<sup>۲</sup> می‌پردازد. بی‌هنجاری فروپاشی حس دلبستگی فرد به اجتماع تعریف شده است (اسرول<sup>۳</sup>، ۱۹۵۶) و پیش‌بینی می‌شود که با اخلاق کاری روابط منفی داشته باشد. بدبینی اجتماعی - که با روان‌رنجورخویی رابطه مثبت و با توافق رابطه منفی دارد - به این باور کلی اشاره دارد که به افراد، نهادها، و دیگر امور نمی‌توان اعتماد کرد و حاکی از آن است که ماهیت انسان و دنیای اجتماعی نتایجی منفی به ارمغان می‌آورند. نگاه بدبینانه به دنیای اجتماعی با اضطراب و مواجهه تدافعی با مردم همراه است. افرادی که از لحاظ اجتماعی بدبین‌اند، از نظر اجتماعی کناره‌گیرند (لونگ<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۲).

با توجه به یافته‌های محدود یا متناقض در خصوص رابطه بنیان‌های اخلاقی با متغیرهای اصلی این پژوهش (یعنی اخلاق کاری، شخصیت، و فرهنگ) تنها به ارائه این فرضیه‌های نسبتاً کلی بسنده می‌شود: (۱) بنیان‌های اخلاقی با اخلاق کاری رابطه دارند، (۲) برخی از متغیرهای شخصیتی با بنیان‌های اخلاقی رابطه دارند و می‌توانند اخلاق کاری را پیش‌بینی کنند، (۳) تفاوت‌هایی فرهنگی در خصوص روابط متغیرهای پژوهش وجود دارند. علاوه بر بررسی فرضیه‌های یادشده این پرسش هم بررسی خواهد شد که بهترین پیش‌بینی‌کننده اخلاق کاری کدام است: شخصیت یا بنیان‌های اخلاقی.

## روش

در این پژوهش از دو نمونه ایرانی و کانادایی استفاده شد. نمونه ایرانی متشکل از ۲۰۲ دانشجوی داوطلب شرکت‌کننده با دامنه سنی ۱۸ تا ۴۷ (و میانگین سنی ۲۵/۸۹) سال بود. ۱۱۳ نفر (۵۵/۹ درصد) از آن‌ها مذکر و ۸۹ نفر (۴۴/۱ درصد) از آن‌ها مونث بودند. بیشتر این شرکت‌کنندگان (۱۲۰ نفر: ۵۹/۴ درصد) تجربه کاری داشتند: از کمتر از یک سال تا

1. anomie
2. social cynicism
3. Srole
4. Leung



۱۹ سال (میانگین ۳/۳۵ سال). نمونه کانادایی متشکل از ۲۳۹ دانشجو با دامنه سنی ۱۸ تا ۶۷ (و میانگین سنی ۲۱/۵۳) سال بود. متغیر جنسیت در نمونه کانادایی ثبت نشد. با اینکه میانگین سنی نمونه کانادایی بیش از ۴ سال از نمونه ایرانی کوچک‌تر بود ( $p < ۰/۰۱$ ;  $t = ۹/۶۱$ ) تعداد بیشتری از آن‌ها (۸۷/۸۹ درصد) سابقه کاری داشتند ( $p < ۰/۰۱$ ;  $t = ۶/۱۶$ ): از کمتر از یک سال تا ۵۰ سال (با میانگین ۴/۷۷ سال). نمونه‌گیری به صورت غیر تصادفی در دسترس انجام شد. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده می‌شود و برای این روش‌ها تعداد نمونه دست کم ۱۰ برابر تعداد متغیرهای مستقل تعیین شده است (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴؛ هومن، ۱۳۸۶). با وجود ۱۱ متغیر مستقل (عامل‌های شش گانه هگزاکو، سه گانه تاریک شخصیت، بدبینی اجتماعی، و بی‌هنجاری)، حجم نمونه در این پژوهش بسنده است. شرکت‌کنندگان ایرانی به نسخه‌های فارسی و شرکت‌کنندگان کانادایی به نسخه‌های انگلیسی مقیاس‌های ذیل پاسخ دادند.

۱. پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی<sup>۱</sup>: در پژوهش حاضر از نسخه ۲۰ گویه‌ای این پرسش‌نامه استفاده شد. قسمت نخست پرسش‌نامه ارتباط پنج بنیان اخلاقی را در تصمیم‌گیری درباره درستی یا نادرستی یک چیز (در یک مقیاس ۶ درجه‌ای، از شدیداً مخالف تا شدیداً موافق) می‌سنجد. بخش دوم پرسش‌نامه قضاوت‌های اخلاقی در راستای پنج بنیان اخلاقی را می‌سنجد. خرده - مقیاس‌های این پرسش‌نامه پایایی بازآزمایی و درونی مناسبی داشته است. آلفای کرونباخ بنیان‌های پنج‌گانه از ۰/۶۵ تا ۰/۸۴ گزارش شد (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱). حسن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) ساختار عاملی نسخه فارسی این پرسش‌نامه را تأیید کردند.

۲. مقیاس اخلاق کاری<sup>۲</sup>: برای سنجش اخلاق کاری از این مقیاس ۱۸ گویه‌ای استفاده شد. بلو و رایان<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) این پرسش‌نامه را بر پایه مدل مفهومی مارو<sup>۴</sup> ساختند. مقیاس شامل ۴ خرده‌مقیاس است: سخت‌کوشی<sup>۵</sup> (شامل ۶ گویه)، فقدان بیکاری<sup>۶</sup> (شامل ۵ گویه)، استقلال<sup>۷</sup> (شامل ۴ گویه)، و پارسایی<sup>۱</sup> (شامل ۳ گویه). پایایی درونی

1. Moral Foundations Questionnaire
2. Work Ethic Scale
3. Blau & Ryan
4. Morrow
5. Hard Work
6. Nonleisure
7. Independence

خرده‌مقیاس‌های یادشده به ترتیب برابر با ۰/۸۵، ۰/۸۰، ۰/۷۵، و ۰/۷۰ گزارش شد. این مقیاس برای نخستین بار به منظور استفاده در این پژوهش به فارسی ترجمه شد. شرکت‌کنندگان به گویه‌های این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه‌های ذیل در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (از عمدتاً نادرست تا عمدتاً درست) پاسخ می‌دهند.

۳. پرسش‌نامه شخصیت هگزاکو<sup>۲</sup>: برای سنجش عامل‌های معمول شخصیت از نسخه ۶۰ گویه‌ای این پرسش‌نامه (هگزاکو-۶۰) استفاده شد. مدل هگزاکو شخصیت را با ۶ عامل و ۲۴ رگه می‌سنجد. پایایی درونی عامل‌های شش‌گانه صداقت - فروتنی، تهیج‌پذیری، برون‌گرایی، توافقی، وظیفه‌شناسی، و تجربه‌پذیری با روش آلفای کرونباخ در نمونه‌ای از دانشجویان به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۷۸، ۰/۸۰، ۰/۷۷، ۰/۷۸، و ۰/۷۷ گزارش شد. هم-بستگی نمره‌های خودگزارشی و نمره‌های مشاهده‌گر از ۰/۴۷ تا ۰/۶۰ و هم‌بستگی پرسش‌نامه پنج عاملی نئو با پنج عامل متناظر آن در نسخه ۶۰ گویه‌ای هگزاکو از ۰/۵۳ تا ۰/۸۰ بود (اشتن و لی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). در ایران، آقابابائی (۱۳۹۱) ساختار شش عاملی هگزاکو-۶۰ را تأیید کرد. پایایی درونی نسخه فارسی عامل‌های این پرسش‌نامه از ۰/۶۰ تا ۰/۷۵ به‌دست آمد. روایی همگرایی نسخه فارسی هگزاکو-۶۰ با پنج عامل بزرگ شخصیت نیز تأیید شد (آقابابائی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲).

۴. مقیاس دوازده‌گانه تاریک<sup>۵</sup>: این مقیاس ۱۲ گویه‌ای برای سنجش سه رگه تاریک شخصیت به کار رفت: خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی، و ماکیاوول‌گرایی. در پژوهش‌های مختلف روایی همگرا، واگرا، و سازه و پایایی درونی، و بازآزمایی این مقیاس در فرهنگ‌های مختلف از جمله ایران تأیید شده است (جانسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ جانسون و لووانو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳؛ جانسون و مک‌کین<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲؛ جانسون و ویستر<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰). تحلیل عاملی نسخه فارسی مقیاس ساختار سه عاملی آن را تأیید کرد. پایایی درونی مؤلفه‌های سه‌گانه نسخه فارسی مقیاس از ۰/۶۸ تا ۰/۸۸ به‌دست آمد (آقابابائی و همکاران، ۲۰۱۴ب).

1. Asceticism
2. HEXACO Personality Inventory
3. Ashton & Lee
4. Aghababaei
5. The Dirty Dozen measure of the Dark Triad
6. Jonason & Luévano
7. Jonason & McCain
8. Jonason & Webster

۵. سنجش اصول متعارف اجتماعی<sup>۱</sup>: این مقیاس باورها دربارهٔ دنیای اجتماعی را می‌سنجد. برای سنجش بدبینی اجتماعی از نسخهٔ کوتاه این مقیاس استفاده شد که ۸ گویه دارد. هم‌بستگی نسخهٔ کوتاه و بلند این مقیاس در ۱۲ نمونه از ۱۲ کشور مختلف بالا (از ۰/۸۷ تا ۰/۹۳) گزارش شد. ضرایب آلفای کرونباخ این مقیاس در نمونه‌های یادشده از ۰/۶۲ (برای غنا) تا ۰/۸۸ (برای آفریقای جنوبی) به‌دست آمد (لونگک و همکاران، ۲۰۱۲). جوشن‌لو و همکاران (۱۳۸۹) پایایی درونی نسخهٔ فارسی مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۲ گزارش کردند.

۶. مقیاس بی‌هنجاری: این مقیاس ۵ گویه‌ای برگرفته از مقیاس اف. کالیفرنیا<sup>۲</sup> است. تئودور آدونو<sup>۳</sup> مقیاس اف. کالیفرنیا را به‌منظور سنجش شخصیت مستبد<sup>۴</sup> طراحی کرده است. اف. در آن مقیاس مخفف فاشیست است (اسرول، ۱۹۵۶). نسخهٔ فارسی این مقیاس برای نخستین بار جهت انجام پژوهش حاضر، از طریق فرایند استاندارد ترجمه و ترجمهٔ برگردان تهیه شد.

#### یافته‌ها

هم‌بستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ قابل مشاهده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اخلاق کاری در نمونهٔ ایرانی با بی‌هنجاری و ماکیاول‌گرایی رابطهٔ منفی دارد و با صداقت فروتنی، قدرت، و پاکی رابطهٔ مثبت دارد. اخلاق کاری در نمونهٔ کانادایی با بی‌هنجاری و جامعه‌ستیزی رابطهٔ منفی دارد و با صداقت - فروتنی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، درون‌گرویی، قدرت، و پاکی رابطهٔ مثبت دارد.

در نمونهٔ ایرانی بنیان اخلاقی آسیب با تهییج‌پذیری رابطهٔ مثبت و با ماکیاول‌گرایی رابطهٔ منفی دارد. انصاف با تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، توافق، و خودشیفتگی رابطهٔ مثبت دارد. درون‌گرویی با برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی رابطهٔ مثبت دارد و با جامعه‌ستیزی رابطهٔ منفی. قدرت با تهییج‌پذیری و برون‌گرایی رابطهٔ مثبت دارد و با ماکیاول‌گرایی و جامعه‌ستیزی رابطهٔ منفی. و سرانجام پاکی با تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، توافق، و وظیفه‌شناسی رابطهٔ مثبت دارد و با جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی رابطهٔ منفی.

1. Social Axioms Survey (SAS II)
2. California F-scale
3. Theodor W. Adorno
4. authoritarian

جدول ۱ هم‌بستگی متغیرهای پژوهش (ایران، پایین. کانادا، بالا)

	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱. بی‌هنجاری	۰/۰۶	۰/۲۲**	-۰/۱۸**	-۰/۱۶*	-۰/۲۷**	-۰/۱۱	-۰/۱۷**	-۰/۰۸	-۰/۲۲**	۰/۱۲	۰/۱۵*	۰/۱۳*	۰/۱۱	-۰/۰۱	-۰/۱۵*	۰/۵۰**	۱	
۲. بدبینی اجتماعی	۰/۲۱**	۰/۲۴**	۰/۳۵**	-۰/۰۱	-۰/۱۶*	-۰/۲۰**	-۰/۲۴**	۰/۰۳	-۰/۲۱**	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۰۹	-۰/۰۳	-۰/۰۴	-۰/۰۷	۱	۰/۴۷**	
۳. اخلاق کاری	-۰/۱۱	-۰/۱۳*	-۰/۱۱	-۰/۰۳	۰/۳۶**	۰/۱۲	۰/۲۴**	-۱/۰	۰/۱۸**	۰/۱۸**	۰/۱۸**	۰/۱۶*	۰/۰۳	۰/۰۱	۱	-۰/۰۳	-۰/۱۵*	
۴. آسیب	-۰/۱۲	-۰/۳۵**	-۰/۲۹**	۰/۲۲**	۰/۲۳**	۰/۱۳*	۰/۰۹	۰/۱۷**	۰/۰۹	۰/۲۷**	۰/۲۴**	۰/۳۵**	۰/۶۱**	۱	۰/۱۲	-۰/۰۳	-۰/۰۴	
۵. انصاف	-۰/۱۴*	-۰/۳۱**	-۰/۳۰**	۰/۱۳*	۰/۱۷**	۰/۲۱**	۰/۱۶*	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۲۳**	۰/۳۱**	۰/۳۶**	۱	۰/۵۲**	۰/۱۳	۰/۰۲	۰/۰۷	
۶. درون‌گروهي	۰/۰۱	-۰/۰۵	-۰/۰۱	-۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۲۲**	۰/۱۷**	-۰/۱۴*	-۰/۱۵*	۰/۴۱**	۰/۵۶**	۱	۰/۴۱**	۰/۳۰**	۰/۰۸	-۰/۰۲	۰/۰۲	
۷. قدرت	۰/۰۲	-۰/۱۰	-۰/۰۷	-۰/۲۰**	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۰۱	-۰/۱۳*	۰/۶۴**	۱	۰/۵۲**	۰/۳۴**	۰/۳۴**	۰/۱۶*	-۰/۰۷	-۰/۰۵	
۸. پاکی	۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۷	-۰/۱۵*	۰/۰۷	۰/۲۰**	۰/۰۱	۰/۰۶	-۰/۰۳	۱	۰/۵۸**	۰/۴۱**	۰/۴۹**	۰/۴۶**	۰/۲۰**	۰/۰۴	۰/۰۴	
عامل‌های همگراکو																		
۹. صداقت - فروتنی	-۰/۴۵**	-۰/۳۷**	-۰/۵۰**	۰/۲۸**	۰/۲۶**	۰/۲۴**	۰/۰۲	۰/۱۰	۱	۰/۰۸	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۲۵**	-۰/۱۰	-۰/۰۶	
۱۰. تهیج پذیری	۰/۱۸**	-۰/۲۱**	-۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۱۷**	-۰/۱۶**	-۰/۱۶**	۱	-۰/۱۵*	۰/۱۴*	۰/۱۶*	۰/۱۱	۰/۱۴*	۰/۱۸**	۰/۰۷	۰/۲۲**	۰/۱۲	
۱۱. برون‌گرایی	-۰/۱۳*	-۰/۲۷**	-۰/۱۹**	۰/۱۴*	۰/۱۹**	۰/۲۱**	۱	-۰/۱۹**	۰/۰۵	۰/۲۲**	۰/۱۷*	۰/۲۶**	۰/۲۱**	۰/۱۲	۰/۰۳	-۰/۲۵**	-۰/۰۸	
۱۲. توافق	-۰/۲۳**	-۰/۳۰**	-۰/۳۱**	۰/۱۹**	۰/۰۴	۱	۰/۲۷**	-۰/۱۶*	۰/۲۵**	۰/۲۰**	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۱۵*	۰/۱۳	۰/۱۲	-۰/۳۱**	-۰/۰۲	
۱۳. وظیفه‌شناسی	-۰/۱۵*	-۰/۴۳**	-۰/۳۲**	۰/۱۲	۱	۰/۱۳*	۰/۳۶**	-۰/۱۴*	۰/۳۴**	۰/۱۵*	۰/۰۱	۰/۱۹**	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۷	-۰/۲۵**	-۰/۱۴*	
۱۴. تجربه‌پذیری	-۰/۱۳*	-۰/۱۴*	-۰/۲۶**	۱	۰/۱۹**	۰/۰۳	۰/۲۹**	-۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۰۱	-۰/۱۳	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۰۶	-۰/۰۷	
سه‌گانه تاریک																		
۱۵. ماکیاوول‌گرایی	۰/۴۸**	۰/۶۰**	۱	-۰/۱۲	-۰/۳۱**	-۰/۲۸**	-۰/۲۴**	۰/۰۳	-۰/۴۲**	-۰/۲۳**	-۰/۱۹**	-۰/۱۳	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-۰/۱۴*	۰/۰۸	۰/۰۴	
۱۶. جامعه‌ستیزی	۰/۳۹**	۱	۰/۳۸**	-۰/۰۴	-۰/۱۰	-۰/۲۹**	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۱۵**	-۰/۱۷*	-۰/۲۵**	-۰/۱۶*	-۰/۰۸	-۰/۱۷*	-۰/۱۲	۰/۲۱**	۰/۰۵	
۱۷. خودشیفتگی	۱	-۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۱۴*	۰/۰۲	۰/۳۲**	-۰/۳۹**	۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۱۹**	۰/۰۵	-۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۰۹	

در نمونه کانادایی بنیان اخلاقی آسیب با تهییج‌پذیری، توافق، وظیفه‌شناسی، و تجربه‌پذیری رابطه مثبت دارد و با ماکیاول‌گرایی و جامعه‌ستیزی رابطه منفی. انصاف با برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی، و تجربه‌پذیری رابطه مثبت دارد و با هر سه رگه تاریک شخصیت رابطه منفی. درون‌گروهی با صداقت - فروتنی و تهییج‌پذیری رابطه منفی دارد و با برون‌گرایی و توافق رابطه مثبت. قدرت با صداقت - فروتنی و تجربه‌پذیری رابطه منفی دارد. و سرانجام، پاکی با توافق رابطه مثبت و با تجربه‌پذیری رابطه منفی دارد.

جدول‌های شماره ۲ و ۳ جزئیات بیشتری از رابطه شخصیت با اخلاق کاری را نشان می‌دهد. در این جدول‌ها هم‌بستگی خرده‌مقیاس‌های اخلاق کاری با رگه‌های ۲۴ گانه شخصیت هم‌گزا کو آمده است. در هر دو نمونه، رگه انصاف از عامل صداقت - فروتنی با اخلاق کاری هم‌بسته بود. از رگه‌های عامل تهییج‌پذیری فقط احساساتی بودن در نمونه کانادایی با نمرات پایین در اخلاق کاری هم‌بسته بود. همه رگه‌های برون‌گرایی در نمونه کانادایی با نمرات بالای اخلاق کاری هم‌بسته بود؛ در حالی که در نمونه ایرانی هیچ هم‌بستگی‌ای با نمره کل اخلاق کاری یافت نشد. از رگه‌های عامل توافق فقط گذشت در نمونه کانادایی با نمرات بالا در اخلاق کاری هم‌بسته بود. از رگه‌های عامل وظیفه‌شناسی در نمونه ایرانی فقط پشتکار با نمرات بالا در اخلاق کاری هم‌بسته بود؛ در حالی که در نمونه کانادایی همه رگه‌ها با نمرات بالا در اخلاق کاری هم‌بسته بودند. سرانجام آنکه هیچ‌یک از رگه‌های تجربه‌پذیری با نمره کل اخلاق کاری هم‌بسته نبود.

همچنین جدول‌های شماره ۲ و ۳ نقش تجربه کاری را در ارتباط متغیرهای شخصیت با اخلاق کاری نشان می‌دهد. پس از کنترل تجربه کاری، به وسیله هم‌بستگی پاره‌ای/ جزئی/ تفکیکی<sup>۱</sup>، تغییر چندانی در روابط یادشده مشاهده نشد.

برای بررسی اینکه آیا متغیرهای شخصیتی بهتر می‌توانند اخلاق کاری را پیش‌بینی کنند یا بنیان‌های اخلاقی، در هر نمونه ۲ سری رگرسیون گام به گام اجرا شد. در هر چهار مدل، اخلاق کاری به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شد. در مدل اول، با توجه به هم‌بسته‌های اخلاق کاری در نمونه ایرانی (جدول ۱)، دو بنیان پاکی و قدرت در گام اول

1. partial correlation

جدول ۲ هم‌بستگی رگه‌های ۲۴ گانه شخصیت هگزاکو با اخلاق کاری در ایران

اخلاق کاری					
نمره کل (با کنترل تجربه کاری)	پارسایی	استقلال	فقدان بیکاری	سخت کوشی	رگه‌های شخصیت
(۰/۲۵**) ۰/۲۵**	۰/۲۸**	-۰/۰۱	۰/۲۱**	۰/۰۹	عامل صداقت - فروتنی
(۰/۰۵) ۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۶	صداقت
(۰/۲۹**) ۰/۳۰**	۰/۲۳**	۰/۰۴	۰/۱۸**	۰/۱۸**	انصاف
(۰/۱۴) ۰/۱۵*	۰/۲۲**	-۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۰۸	پرهیز از حرص
(۰/۰۷) ۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۰۵	۰/۲۳**	-۰/۱۳	فروتنی
(۰/۰۸) ۰/۰۷	۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۳	۰/۱۵*	عامل تهییج‌پذیری
(۰/۱۰) ۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۰۷	-۰/۰۶	۰/۱۲	ترسوئی
(-۰/۰۱) -۰/۰۱	-۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۰۵	اضطراب
(۰/۰۱) -۰/۰۱	-۰/۰۵	-۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۰۴	وابستگی
(۰/۰۹) ۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۰۶	-۰/۰۵	۰/۲۳**	احساساتی بودن
(۰/۰۳) ۰/۰۳	-۰/۰۴	۰/۰۳	-۰/۱۰	۰/۱۵*	عامل برون‌گرایی
(-۰/۰۴) -۰/۰۳	-۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۱۴*	۰/۰۹	عزت نفس اجتماعی
(۰/۰۴) ۰/۰۴	-۰/۰۲	۰/۰۹	-۰/۰۳	۰/۰۶	جسارت اجتماعی
(۰/۰۷) ۰/۰۶	-۰/۱۱	۰/۰۳	-۰/۰۶	۰/۱۹**	مردم‌آمیزی
(۰/۰۴) ۰/۰۶	۰/۰۳	-۰/۰۱	-۰/۰۷	۰/۱۶*	سرزندگی
(۰/۱۳) ۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۱۰	عامل توافق
(۰/۱۰) ۰/۱۱	۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۱۲	گذشت
(۰/۰۷) ۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۹	-۰/۰۸	۰/۱۰	ملاطفت
(۰/۰۹) ۰/۰۸	۰/۰۷	-۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۰۱	انعطاف‌پذیری
(۰/۱۰) ۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۰۶	-۰/۰۲	۰/۰۷	بردباری
(۰/۰۶) ۰/۰۷	۰/۰۷	-۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۳	عامل وظیفه‌شناسی
(-۰/۰۶) -۰/۰۶	-۰/۰۲	-۰/۱۰	۰/۰۷	-۰/۰۸	سازمان‌یافتگی
(۰/۲۰**) ۰/۲۱**	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۱۴*	پشتکار
(۰/۰۵) ۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۱۲	کمال‌گرایی
(-۰/۰۶) -۰/۰۱	۰/۰۷	-۰/۱۲	۰/۱۰	-۰/۰۷	احتیاط
(-۰/۰۵) -۰/۰۳	-۰/۱۰	۰/۰۸	-۰/۰۹	۰/۰۲	عامل تجربه‌پذیری
(-۰/۱۳) -۰/۱۱	-۰/۱۴*	۰/۰۴	-۰/۱۱	-۰/۰۴	تقدیر از زیبایی
(۰/۱۳) ۰/۱۳	۰/۰۲	۰/۱۱	-۰/۰۵	۰/۱۸**	جست‌وجوگری
(-۰/۰۳) -۰/۰۴	-۰/۱۳	۰/۰۸	-۰/۰۷	۰/۰۱	خلاقیت
(-۰/۰۳) -۰/۰۴	-۰/۰۲	-۰/۰۱	۰/۰۱	-۰/۰۵	غیرعرفی بودن

جدول ۳ هم‌بستگی رگه‌های ۲۴ گانه شخصیت هگزاکو با اخلاق کاری در کانادا

اخلاق کاری					
نمره کل (با کنترل تجربه کاری)	پارسایی	استقلال	فقدان بیکاری	سخت کوشی	رگه‌های شخصیت
(۰/۱۷**) ۰/۱۸**	۰/۲۵**	-۰/۱۷**	۰/۲۷**	۰/۰۵	عامل صداقت - فروتنی
(۰/۱۱) ۰/۱۵*	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۱۵*	۰/۰۴	صداقت
(۰/۲۳*) ۰/۲۴**	۰/۱۶*	-۰/۱۱	۰/۲۴**	۰/۱۶**	انصاف
(۰/۱۰) ۰/۰۹	۰/۲۸**	-۰/۱۰	۰/۲۹**	-۰/۱۵*	پرهیز از حرص
(-۰/۰۷) -۰/۰۵	۰/۱۹**	-۰/۳۲**	۰/۰۲	۰/۰۳	فروتنی
(-۰/۱۰) -۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۲۴**	-۰/۱۵*	۰/۰۹	عامل تهییج‌پذیری
(۰/۰۵) -۰/۰۵	۰/۰۶	-۰/۱۰	-۰/۱۱	۰/۰۴	ترسوئی
(۰/۰۵) ۰/۰۴	۰/۱۴*	-۰/۱۹**	-۰/۰۴	۰/۱۶*	اضطراب
(-۰/۰۹) -۰/۱۱	۰/۰۸	-۰/۱۸**	-۰/۰۶	-۰/۰۲	وابستگی
(-۰/۱۵*) -۰/۱۵*	۰/۰۲	-۰/۲۵**	-۰/۲۰**	۰/۰۸	احساساتی بودن
(۰/۲۵**) ۰/۲۴**	-۰/۱۰	-۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۳۷**	عامل برون‌گرایی
(۰/۲۱**) ۰/۲۴**	-۰/۱۲	-۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۳۶**	عزت نفس اجتماعی
(۰/۱۳) ۰/۱۳*	۰/۰۲	-۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۱۶*	جسارت اجتماعی
(۰/۱۴*) ۰/۱۳*	-۰/۱۷**	-۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۲۱**	مردم‌آمیزی
(۰/۱۷**) ۰/۲۰**	-۰/۰۸	-۰/۱۶*	۰/۰۹	۰/۳۸**	سرزندگی
(۰/۱۱) ۰/۱۲	-۰/۰۶	-۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۲۱**	عامل توافق
(۰/۱۷*) ۰/۱۶*	-۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۱۴*	گذشت
(۰/۰۴) ۰/۰۳	-۰/۱۵*	-۰/۰۱	-۰/۰۳	۰/۱۶*	ملاطفت
(۰/۰۹) ۰/۱۰	-۰/۰۶	-۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۱۲	انعطاف‌پذیری
(۰/۰۱) ۰/۰۴	۰/۰۸	-۰/۲۰	-۰/۰۳	۰/۱۸**	بردباری
(۰/۳۶**) ۰/۳۶**	۰/۰۹	-۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۴۵**	عامل وظیفه‌شناسی
(۰/۲۲**) ۰/۲۲**	۰/۰۸	-۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۳۰**	سازمان‌یافتگی
(۰/۳۴**) ۰/۳۴**	۰/۰۴	-۰/۱۱	۰/۱۴*	۰/۴۴**	پشتکار
(۰/۳۰**) ۰/۲۹**	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۴۰**	کمال‌گرایی
(۰/۲۳**) ۰/۲۴**	۰/۱۴*	-۰/۱۶**	۰/۱۵*	۰/۲۷**	احتیاط
(-۰/۰۴) -۰/۰۳	-۰/۰۴	-۰/۰۵	۰/۰۵	-۰/۰۳	عامل تجربه‌پذیری
(-۰/۰۷) -۰/۰۴	-۰/۰۱	-۰/۰۷	۰/۱۰	-۰/۰۹	تقدیر از زیبایی
(-۰/۰۴) -۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۰۹	-۰/۱۲	جست‌وجوگری
(-۰/۰۱) ۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۳	خلاقیت
(-۰/۰۱) -۰/۱۰	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۰۷	۰/۰۴	غیرعرفی بودن

به‌عنوان پیش‌بین وارد معادله رگرسیون شدند و در مجموع ۴ درصد ( $p > 0/05$ ) از واریانس اخلاق کاری را پیش‌بینی کردند. در گام دوم بی‌هنجاری، صداقت - فروتنی، و ماکیاوول‌گرایی به‌عنوان پیش‌بین وارد معادله رگرسیون شدند و فراتر از بنیان‌های اخلاقی ۸ درصد ( $p > 0/01$ ) به تبیین اخلاق کاری افزودند. مجموع دو بنیان اخلاقی و سه متغیر شخصیتی، در دو گام، ۱۲ درصد ( $p > 0/01$ ) از تغییرها در نمره اخلاق کاری را پیش‌بینی کرد. در مدل دوم، ابتدا سه متغیر شخصیتی یادشده در مدل رگرسیون وارد شدند و ۸ درصد از تغییرها در اخلاق کاری را پیش‌بینی کردند. در گام دوم دو بنیاد اخلاقی پاکی و قدرت وارد معادله رگرسیون شدند و ۳ درصد ( $p > 0/05$ ) به تبیین اخلاق کاری افزودند. باز هم مجموع دو بنیاد اخلاقی و سه متغیر شخصیتی ۱۲ درصد ( $p > 0/01$ ) از تغییرات نمره اخلاق کاری را در نمونه ایرانی پیش‌بینی کردند.

دو رگرسیون گام به گام اجرا شده در نمونه کانادایی بدین شکل انجام شدند که در مدل اول با توجه به هم‌پسته‌های اخلاق کاری (جدول ۱) بنیان‌های پاکی، درون‌گروهي، و قدرت در گام اول وارد معادله رگرسیون شدند و مجموعاً ۴ درصد ( $p > 0/05$ ) از تغییرها در نمره اخلاق کاری را پیش‌بینی کردند. در گام دوم بی‌هنجاری، صداقت - فروتنی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، و جامعه‌ستیزی وارد معادله رگرسیون شدند و فراتر از سه بنیاد اخلاقی یادشده ۱۷ درصد ( $p > 0/01$ ) از تغییرها در نمره اخلاق کاری را تبیین کردند. مجموعاً در دو گام ۲۲ درصد ( $p > 0/01$ ) از تغییرها در اخلاق کاری تبیین شد. در مدل دوم، ابتدا بی‌هنجاری، صداقت - فروتنی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، و جامعه‌ستیزی وارد معادله رگرسیون شدند و توانستند ۱۸ درصد ( $p > 0/01$ ) از تغییرها در نمره اخلاق کاری را تبیین کنند. در گام دوم بنیان‌های اخلاقی پاکی، درون‌گروهي، و قدرت وارد معادله رگرسیون شدند و توانستند فراتر از متغیرهای شخصیتی ۳ درصد ( $p > 0/05$ ) از تغییرهای نمره اخلاق کاری را پیش‌بینی کنند. در این مدل هم مجموعاً ۲۲ درصد ( $p > 0/01$ ) از تغییرها در نمره اخلاق کاری توسط بنیان‌های اخلاقی و متغیرهای شخصیتی یادشده تبیین شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

به نقش تفاوت‌های فردی در قلمرو روان‌شناسی اخلاق توجه اندکی شده است. حال آنکه رویکرد تفاوت‌های فردی، ابزار ارزشمندی برای مطالعه قضاوت افراد فراهم می‌آورد



کوکلی و فلتز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). سهم تفاوت‌های فردی کمتر از سهم موقعیت نیست. یکی از متغیرهای مهم در پیش‌بینی نگرش و رفتار، شخصیت است. روان‌شناسان پذیرفته‌اند که رفتار هر فرد محصول شخصیت اوست که از مجموعه‌ای رگه‌ها تشکیل شده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شخصیت می‌تواند قضاوت اخلاقی، استدلال اخلاقی، و رفتار اخلاقی افراد را پیش‌بینی کند (آقابابائی، ۱۳۹۲). پژوهش حاضر این نکته را تأیید کرد. شخصیت هم با بنیان‌های اخلاقی مرتبط بود و هم با اخلاق کاری. ضمناً شخصیت بهتر از بنیان‌های اخلاقی توانست اخلاق کاری را پیش‌بینی کند. اعتبار افزایشی<sup>۲</sup> شخصیت بر بنیان‌های اخلاقی در پیش‌بینی اخلاق کاری (و اعتبار افزایشی بنیان‌های اخلاقی بر شخصیت در پیش‌بینی اخلاق کاری) نشان‌دهنده نقش یگانه این دو دسته از متغیرها در تبیین اخلاق کاری است.

در مدل مفهومی مارو تعهد کاری شامل پنج وجه است. مارو (۱۹۹۳)، به نقل از بلو و رایان، (۱۹۹۷) روابط میان این وجوه را به شکل دایره‌های هم‌مرکز ترسیم کرده است. داخلی‌ترین دایره، اخلاق کاری و خارجی‌ترین دایره، مشارکت شغلی است. وجوه درونی دایره خصیصه‌ای<sup>۳</sup> تر و فرهنگی تر و در نتیجه پایدارترند؛ در حالی که دایره‌های بیرونی بیشتر توسط موقعیت تعیین می‌شوند و در معرض تغییرند. تفاوت‌های فرهنگی مربوط به هم‌بسته‌های اخلاق کاری در پژوهش حاضر مؤید این نظر قلمداد می‌شوند. در هر دو بافت، اخلاق کاری با بی‌هنجاری، ماکیاول‌گرایی، و جامعه‌ستیزی رابطه منفی و با صداقت - فروتنی رابطه مثبت داشتند. اخلاق کاری در بافت کانادا با برون‌گرایی، و وظیفه‌شناسی نیز هم‌بسته بود. مهم‌ترین هم‌بسته شخصیتی اخلاق کاری در ایران صداقت - فروتنی بود. صداقت - فروتنی متضمن نوع دوستی متقابل<sup>۴</sup> است. بهره‌مندی از همکاری، کمک متقابل، و عدم تجاوز از منافع، نمره بالا در صداقت - فروتنی‌اند (اشتن و لی، ۲۰۰۷). صداقت - فروتنی با محافظه‌گرایی هم‌بسته است (جانسون، ۲۰۱۴)، محافظه‌کاری با جمع‌گرایی مرتبط است (گرین و پائز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵)، و جامعه ایران نسبتاً جمع‌گراست. در سوی دیگر، مهم‌ترین هم‌بسته شخصیتی اخلاق کاری در کانادا وظیفه‌شناسی بود. وظیفه‌شناسی در جوامع فردگرا بیشتر است (آقابابائی و همکاران، ۲۰۱۴ الف)

1. Cokely & Feltz
2. incremental validity
3. dispositional
4. reciprocal altruism
5. Green & Paez

و با تلاش‌های تکلیف - محور و ارزش‌های فردگرایانه‌ای چون نظم، سازمان‌یافتگی، کمال‌گرایی، و پشتکار مرتبط است (اشتن و لی، ۲۰۰۷).

در پژوهش حاضر هم‌بسته‌های شخصیتی بنیان‌های اخلاقی نیز کاملاً متفاوت بودند؛ مثلاً عامل تجربه‌پذیری در نمونه ایرانی با هیچ‌یک از بنیان‌های اخلاقی هم‌بسته نبود؛ اما در نمونه کانادایی با چهار تا از بنیان‌ها هم‌بسته بود. مهم‌ترین عامل‌های شخصیتی هم‌بسته با بنیان‌های اخلاقی در نمونه ایرانی برون‌گرایی و تهییج‌پذیری بودند که با چهار تا از بنیان‌ها هم‌بستگی مثبت داشتند. برون‌گرایی به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مربوط است و تهییج‌پذیری با نوع‌دوستی خویشاوندی<sup>۱</sup> مرتبط است که متضمن بقای خویشاوندان (به‌ویژه فرزندان) و بقای خود است. کسانی که نمره بالایی در تهییج‌پذیری می‌گیرند همدلی، دلبستگی، گریز از آسیب، و کمک‌خواهی بالایی دارند (اشتن و لی، ۲۰۰۷). گفتنی است نوع‌دوستی مفهومی مهم در اخلاق است که تقریباً هر رساله‌ای با موضوع تکامل اخلاق به آن می‌پردازد (آقابائی، ۲۰۱۴). مهم‌ترین عامل‌های شخصیتی هم‌بسته با بنیان‌های اخلاقی در نمونه کانادایی تجربه‌پذیری و توافق بودند که آن‌ها هم با چهار تا از بنیان‌های اخلاقی هم‌بسته بودند. از سوی دیگر در نمونه ایرانی، بنیان اخلاقی پاکی بیشترین تعداد هم‌بستگی را با متغیرهای شخصیتی داشت؛ در حالی که در نمونه کانادایی، بنیان اخلاقی انصاف و سپس آسیب بیشترین تعداد هم‌بستگی را با متغیرهای شخصیتی داشتند. فردگرایی مؤلفه‌ای از لیبرالیسم است (فاین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲) و لیبرال‌ها این دو بنیان (یعنی انصاف / مقابله‌به‌مثل و آسیب / مراقبت) را بیش از سه بنیان اخلاقی دیگر تأیید می‌کنند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۹). دو گروه شباهت‌هایی هم داشتند؛ مثلاً در هر دو گروه خودشیفتگی کمترین اهمیت را در رابطه با بنیان‌های اخلاقی نشان داد؛ زیرا تنها با یک بنیان اخلاقی هم‌بسته بود. برای درک تنوع فرهنگی در گستره اخلاق، کارهای متعددی می‌توان کرد. یک گزینه، بررسی متغیرهای مرتبط با اخلاق در جوامع جمع‌گرا و فردگراست. یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌ها میان جوامع به مقدار تعادل میان نیازها و علایق گاهاً متضاد فرد و گروه مربوط است. بیشتر جوامع جامعه‌محورند؛ نیازهای گروه را در اولویت می‌گذارند. در مقابل، جوامع فردگرا به نیازها و علایق فرد اولویت می‌دهند. فرهنگ‌های فردگرا و

1. kin altruism  
2. Fine

جامعه‌محور اخلاق‌های متفاوتی را شکل می‌دهند. آسان‌ترین راه برای درک کردن این تفاوت‌ها، به گفته‌ی هایت<sup>۱</sup> (۲۰۱۲ به نقل از ماسچنگا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳) ربط دادن آن‌ها با بنیان‌های اخلاقی است. هر دو نوع جامعه تا اندازه‌ای برای هر یک از بنیان‌های اخلاقی اهمیت قائل‌اند؛ اما تأکیدشان بر هر یک از آن‌ها متفاوت است. از آن رو که جوامع فردگرا بر استقلال فردی تأکید دارند، بنیان‌های اخلاقی متمرکز بر حقوق فردی را بسط می‌دهند که شامل مراقبت، انصاف، و آزادی است. در مقابل، جوامع جامعه‌محور بر اهمیت گروه تأکید می‌کنند و غالباً ارزش بیشتری برای بنیان‌های اخلاقی‌ای قائل می‌شوند که بر انسجام گروه تأکید دارند و شامل درون‌گروهی، قدرت، و تقدس می‌شوند. اگرچه جوامع غربی نسبت به دیگر جوامع، عموماً فردگرا هستند؛ اما به گروه نیز بها می‌دهند (ماسچنگا، ۲۰۱۳). در حالی که مسیحیان غربی با افتخار خودشان را فردگرا می‌دانند، قضیه در میان مسلمانان این‌گونه نیست. مسلمانان به صورت خانوادگی یا در شبکه‌های خویشاوندی کار، بازی، و جنگ می‌کنند و عشق می‌ورزند. فردگرایی در اسلام ارزش ندارد و ترغیب نمی‌شود؛ در عوض، خانواده و جامعه است که مقدم‌اند. این بدان معنا نیست که مسیحیان برای خانواده و جامعه ارزش زیادی قائل نمی‌شوند؛ بلکه آن‌ها به احتمال کمتری از مسلمانان، به این عرصه‌ها بیش از حقوق فرد بها دهند. همچنین، هم مسلمانان و هم مسیحیان به فرد احترام می‌گذارند و برای جامعه ارزش قائل‌اند و تفاوت صرفاً در مقدار است. اگرچه اسلام گویا احترام بیشتری برای جامعه قائل است تا فرد، فرد نیز مهم است و اگرچه مسیحیت بر پایه فرهنگ غربی، بر حقوق فرد تأکید می‌کند، ارزش زیادی برای جامعه نیز قائل است و از زیر پا گذاشتن رفاه جامعه به دلیل حقوق فرد چشم نمی‌پوشد (کونینگ و الشهب، ۲۰۱۵). برخی از یافته‌های پژوهش حاضر در پرتو تفاوت‌های دو نمونه در فردگرایی/ جمع‌گرایی به‌خوبی تبیین می‌شوند. توجه به این‌گونه تفاوت‌های فرهنگی در کنار توجه به تفاوت‌های فردی در مطالعات روان‌شناختی به صورت کلی، و در بررسی گستره اخلاق بشر به صورت خاص، لازم است.

استفاده از نمونه دانشجویی، استفاده از روش گزارش شخصی، و نمونه‌گیری در دسترس جزو محدودیت‌های پژوهش حاضرند. پیشنهاد می‌شود نقش بنیان‌های اخلاقی

1. Haidt
2. Musschenga

و شخصیت در رابطه با دیگر حوزه‌های اخلاقی مانند اخلاق پزشکی بررسی شود، به بنیان‌های اخلاقی در رویکردهای درمانی توجه شود، و نقش تفاوت‌های فرهنگی علاوه بر تفاوت‌های فردی در قلمرو اخلاق مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا در پرتو توجه به نقش فرهنگ است که تفاوت‌ها و شباهت‌های رفتاری در جوامع مختلف توجیه‌پذیرتر می‌شوند.

### منابع

- آقابابائی، ن. (۱۳۹۱). رابطهٔ صداقت و فروتنی با شخصیت، دین، و بهزیستی فاعلی. *روان‌شناسی و دین*، ۱۹، ۴۰-۲۵.
- آقابابائی، ن. (۱۳۹۲). قضاوت اخلاقی و شخصیت: پرونده‌ای برای اتانازی. *معرفت اخلاقی*، ۱۴، ۱۱۹-۱۰۷.
- جوشن‌لو، م.، دائمی، ف.، و قدمیه، ف. (۱۳۸۹). بررسی رابط بین اصول بدیهی اجتماعی با شاخص‌های عملکرد اجتماعی مثبت دانشجویان. *دانشور رفتار*، ۴۲، ۱-۱۲.
- حسن‌نیا، س.، خرمايي، ف.، و شیخ‌الاسلامی، ر. (۱۳۹۴). رابطهٔ علی سبک‌های دل‌بستگی با بنیان‌های اخلاقی از طریق واسطه‌گری هویت اخلاقی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۸، ۹۸-۷۵.
- ضیایی، م.، پوراعتماد، ح.، و حسن‌زادهٔ توکلی، م. (۱۳۸۹). آیا قضاوت اخلاقی وابسته به فرهنگ است؟ *علوم رفتاری*، ۴(۳)، ۲۲۵-۲۳۱.
- فراهانی، ح. و عربی، ح. (۱۳۸۴). *روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی (رویکردی کاربردی)*. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۶). *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*. تهران: سمت.
- Adger, W. N., Butler, C., & Walker-Springett, K. (2017). Moral reasoning in adaptation to climate change. *Journal Environmental Politics*, 26(3), 371-390.
- Aghababaei, N. (2012). Religious, honest and humble: Looking for the religious person within the HEXACO model of personality structure. *Personality and Individual Differences*, 53(7), 880-883.
- Aghababaei, N. (2014). Attitudes towards euthanasia in Iran: The role of altruism. *Journal of Medical Ethics*, 40(3), 173-176.
- Aghababaei, N., Mohammadtabar, S., & Saffarinia, M. (2014a). Dirty Dozen vs. the H factor: Comparison of the Dark Triad and Honesty-Humility in prosociality, religiosity, and happiness. *Personality and Individual Differences*, 67, 6-10.
- Aghababaei, N., Wasserman, J. A., & Nannini, D. (2014b). The religious person revisited: Cross-cultural evidence from the HEXACO model of personality structure. *Mental Health, Religion & Culture*, 17(1), 24-29.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2007). Empirical, theoretical, and practical advantages of the HEXACO model of personality structure. *Personality and Social Psychology Review*, 11(2), 150-166.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2009). The HEXACO-60: A short measure of the major dimensions of personality. *Journal of Personality Assessment*, 91(4), 340-345.

- Baumeister, R. F., & Vlasov, A. J. (2012). Is the essence of morality mind perception, self-regulation, free will, or culture?. *Psychological Inquiry*, 23(2), 134-136.
- Bespalov, A., Prudnikova, M., Nyamdorj, B., & Vlasov, M. (2017). Life aspirations, values and moral foundations in Mongolian youth. *Journal of Moral Education*, 46(3), 258-271.
- Blau, G., & Ryan, J. (1997). On measuring work ethic: A neglected work commitment facet. *Journal of Vocational Behavior*, 51, 435-448.
- Chowdhury, R. M. M. I. (in press). The moral foundations of consumer ethics. *Journal of Business Ethics*.
- Cokely, E. T., & Feltz, A. (2009). Individual differences, judgment biases, and theory-of-mind: Deconstructing the intentional action side effect asymmetry. *Journal of Research in Personality*, 43, 18-24.
- Cranmer, G. A., & Martin, M. M. (2015). An examination of aggression and adaption traits with moral foundation. *Communication Research Reports*, 32(4), 360-366.
- Fernandes, S., Kapoor, H., & Karandikar, S. (2017). Do we gossip for moral reasons? The intersection of moral foundations and gossip. *Basic and Applied Social Psychology*, 39(4), 218-230.
- Fine, T. S. (1992). Individualism & liberalism/conservatism: Broadening dimensions of policy support. *Polity*, 25(2), 315-327.
- Graham, J., Haidt, J., & Nosek, B. A. (2009). Liberals and conservatives rely on different sets of moral foundations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 96(5), 1029-1046.
- Graham, J., Nosek, B. A., Haidt, J., Iyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H. (2011). Mapping the moral domain. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101, 366-385.
- Green, E. G. T., & Paez, D. (2005). Variation of individualism and collectivism within and between 20 countries: A typological analysis. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 36(3), 321-339.
- Greene, J. D., Morelli, S. A., Lowenberg, K., Nystrom, L. E., & Cohen, J. D. (2008). Cognitive load selectively interferes with utilitarian moral judgment. *Cognition*, 107(3), 1144-1154.
- Jonason, P. K. (2014). Personality and politics. *Personality and Individual Differences*, 71, 181-184.
- Jonason, P. K., & Luévano, V. X. (2013). Walking the thin line between efficiency and accuracy: Validity and structural properties of the Dirty Dozen. *Personality and Individual Differences*, 55, 76-81.
- Jonason, P. K., & McCain, J. (2012). Using the HEXACO model to test the validity of the Dirty Dozen measure of the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, 53, 935-938.
- Jonason, P. K., & Webster, G. D. (2010). The Dirty Dozen: A concise measure of the Dark Triad. *Psychological Assessment*, 22(2), 420-432.
- Jonason, P. K., Kaufman, S. B., Webster, G. D., & Geher, G. (2013). What lies beneath the Dark Triad Dirty Dozen: Varied relations with the Big Five. *Individual Differences Research*, 11(2), 81-90.
- Jonason, P. K., Zeigler-Hill, V., & Okan, C. (2017). Good v. evil: Predicting sinning with dark personality traits and moral foundations. *Personality and Individual Differences*, 104, 180-185.
- Kang, L. L., Rowatt, W. C., & Fergus, T. A. (2016). Moral foundations and obsessive-compulsive symptoms: A preliminary examination. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 11, 22-30.

- Kawamoto, T., Van der Linden, D., & Dunkel, C. S. (2017). The General Factor of Personality (GFP) and moral foundations. *Personality and Individual Differences, 119*, 78-82.
- Kim, K. R., Kang, J., & Yun, S. (2012). Moral intuitions and political orientation: Similarities and differences between South Korea and the United States. *Psychological Reports, 111*(1), 173-185.
- Koenig, H. G., & Al Shohaib, S. (2015). Health and well-being in Islamic societies: Background, research, and applications. London: Springer.
- Leung, K., Lam, B. C. P., Bond, M. H., Conway III, L. G., Gornick, L. J., Amponsah, B. et al. (2012). Developing and evaluating the Social Axioms Survey in Eleven countries: Its relationship with the Five-Factor model of personality. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 43*(5), 833-857.
- Low, M., & Lopez Wui, M. G. (2016). Moral foundations and attitudes towards the poor. *Current Psychology, 35*(4), 650-656.
- Makiniemi, J., Pirttila-Backman, A., & Pieri, M. (2013). The endorsement of the moral foundations in food-related moral thinking in three European countries. *Journal of Agricultural and Environmental Ethics, 26*(4), 771-786.
- Marshall, J., Watts, A. L., & Lilienfeld, S. O. (2018). Do psychopathic individuals possess a misaligned moral compass? A meta-analytic examination of psychopathy's relations with moral judgment. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment, 9*(1), 40-50.
- Mededovic, J., & Petrovic, B. (2016). Can there be an immoral morality? Dark personality traits as predictors of moral foundations. *Psihologija, 49*(2), 185-197.
- Musschenga, B. (2013). The promises of moral foundations theory. *Journal of Moral Education, 42*(3), 330-345.
- Nilsson, A., & Erlandsson, A. (2015). The Moral Foundations taxonomy: Structural validity and relation to political ideology in Sweden. *Personality and Individual Differences, 76*, 28-32.
- Sachdeva, S., Singh, P., & Medin, D. (2011). Culture and the quest for universal principles in moral reasoning. *International Journal of Psychology, 46*(3), 161-176.
- Snarey, J. R. (1985). Cross-cultural universality of social-moral development: A critical review of Kohlbergian research. *Psychological Bulletin, 97*(2), 202-232.
- Srole, L. (1956). Social integration and certain corollaries: An exploratory study. *American Sociological Review, 21*(6), 709-716.
- Steiger, R. L., & Reyna, C. (2017). Trait contempt, anger, disgust, and moral foundation values. *Personality and Individual Differences, 113*, 125-135.
- Vaini, A., & Makiniemi, J. (2016). How are moral foundations associated with climate-friendly consumption?. *Journal of Agricultural and Environmental Ethics, 29*(2), 265-283.
- Vecina, M. L. (2014). The Five Moral Foundations Sacredness Scale in men in court-mandated treatment for violently abusing their partners. *Personality and Individual Differences, 64*, 46-51.
- Vecina, M. L., & Piñuela, R. (2017). Relationships between ambivalent sexism and the five moral foundations in domestic violence: Is it a matter of fairness and authority?. *The Journal of Psychology, 151*(3), 334-344.
- Yalçındağ, B., Özkan, T., Cesur, S., Yılmaz, O., Tepe, B., Piyale, Z. E. et al. (in press). An investigation of moral foundations theory in Turkey using different measures. *Current Psychology*.